

دکتر محمدعلی احمدیان

دانشگاه فردوسی مشهد

شماره مقاله: ۳۲۴

رابطه شهر و روستا و سیر تحوّل آن در ایران

Dr. M. A. Ahmadian

Ferdowsi University of Mashhad

A review of Transformation of relations between The city and The village in Iran

In countries like ours, where the proportion of the rural population is higher, and where there is a close connection between urban and rural settlements socio - economic view points, the study of the relations between the city and the village has been of great importance in recent decades. The present article surveys, in brief, such studies conducted in Iran.

مقدمه

همزمان با تحولات اقتصادی - اجتماعی عمیقی که در چند قرن اخیر بخصوص بعد از انقلاب صنعتی صورت گرفت، بسیاری از کشورها و نواحی جغرافیایی جهان، در گردونه تقسیم کار جهانی قرار گرفتند. کشور ما نیز از این موج خروشان در امان نماند و با ادغام شدن در تجارت جهانی، از اواخر دوره قاجاریه، به صورت تهیه کننده مواد خام مورد نیاز کشورهای صنعتی و مصرف کننده اضافه تولید آنان درآمد. ایفای چنین نقشی به قیمت ضربه خوردن بخشهای کشاورزی و صنعت تمام شده، فقر شدید روستاییان و پیشه‌وران و صنعتگران داخلی را موجب گردید.

بالا رفتن درآمدهای نفتی از دهه ۱۳۳۰ هجری شمسی و سرازیر شدن بخش قابل توجهی از این درآمدها به نقاط شهری و همچنین اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰، به نوبه خود بر وخامت اوضاع

روستاها و مشکلات بخش کشاورزی (که در کنار افزایش جاذبه شهرها صورت می‌گرفت) افزود. تا پیش از این تغییرات، در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای جهان سوم، شبکه شهری همگون و روابط میان شهرها و نقاط روستایی از تعادلی نسبی برخوردار بود؛ لکن نفوذ سرمایه‌داری در ایران، موجب برهم خوردن تعادل قبلی شد. تغییرات مزبور به عنوان مهمترین تحولات چند دهه اخیر، توجه جغرافیدانان خارجی و داخلی را به خود جلب کرده، انگیزه تحقیقات متعددی شد.

آنچه در زیر مورد ملاحظه قرار می‌گیرد، اشاره‌ای است به مطالعات و تحقیقاتی که در این فرضیه انجام شده و سابقه تحولاتی که در روابط شهر و روستا، از اواخر دوره قاجاریه تا حال حاضر، صورت گرفته است. **مراجعه‌ای به ادبیات مربوطه**

سابقه مطالعه و تحقیق در روابط میان شهر و روستا، چندان طولانی نیست. اصولاً تا اوایل قرن حاضر مسائل خود شهرها نیز مورد توجه جدی نبوده است. دولت انگلیس اولین اقدام مشخص خود را در سال ۱۹۰۹ میلادی در این زمینه به عمل آورد و در ایالات متحده آمریکا اولین کنفرانس مسائل شهری و تعیین کمیسیون برنامه‌ریزی شیکاگو در سال ۱۹۰۷ صورت گرفت.^۱

از جمله کسانی که به مطالعه روابط شهر و روستا در سطح منطقه‌ای پرداخته‌اند می‌توان به «وینست فرانسیس کاستللو» اشاره کرد که به روند شکل‌گیری نقاط شهری در خاورمیانه و تحولات آنها در یکی دو قرن اخیر پرداخته و به تناسب مطلب به بعضی از شهرهای ایران مانند کرمان و آبادان و کاشان اشاراتی کرده است. وی با اشاره به اثرات نامطلوب نظام اقتصاد آزاد در اوضاع اقتصادی - اجتماعی کشورهای این منطقه، چگونگی به هم ریختن تعادلهای موجود از جمله تعادل روابط میان شهر و روستا را توضیح می‌دهد و اظهار می‌دارد که در یکی دو قرن اخیر به دلیل نفوذ اقتصاد آزاد و ملاحظات نظامی غریبها و همچنین تغییر در الگوی تجارت خارجی و استخراج نفت، شهرنشینی رشد غیر متعارفی داشته که مهاجرت روستاییان به شهرها، ویژگی بارز و مهم آن است. وی در فصل چهارم از کتاب خود، بخشی را تحت عنوان «ارتباط بین شهر و روستا» به بررسی روابط میان دو نهاد مزبور اختصاص داده است که به تناسب مطلب با مثالهایی از ایران و از جمله کاشان همراه است.^۲

«اولیویه دولفوس» در کتاب خود تحت عنوان «فضای جغرافیایی» ضمن بحث مفصلی پیرامون فضای شهری و فضای روستایی بخشی از کتاب را به مناسبات شهر و روستا اختصاص داده

1- *The New Encyclopedia Britanica, Macropedia, vol. 18, 1991, p. 1082*

۲- وینست فرانسیس کاستللو، شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، نشر سخا، ۱۳۶۸.

است. وی شهرها را زائیدهٔ اضافه تولید نقاط روستایی و ایجاد تقسیم کار می‌داند و اظهار می‌دارد که مهمترین نقش شهر، تأمین خدمات برای نقاط روستایی است. وی رابطه شهر و روستا را در هریک از کشورهای پیشرفته و جهان سوم (که به تعبیر صحیحتر باید سلطه‌گر و زیر سلطه نامیده شوند) از یکدیگر تفکیک می‌کند و توضیح می‌دهد که برخلاف کشورهای گروه اول که در آنها شهرها روابط معقول و متعادلی با روستاها دارند، در کشورهای جهان سوم شهرها مراکز جذب جمعیت روستایی و منابع درآمد آنان هستند. منابع و منافع روستاها از طریق:

الف) بهرهٔ مالکانه مالکانی که در شهرها زندگی می‌کنند؛

ب) کسب بهره‌های تجاری و مالی توسط تجار شهری (با خرید ارزان از روستایی و فروش گران اجناس به وی)؛

پ) گرفتن بهره و سود وام توسط رباخواران و سلف خران شهری،

به شهرها سرازیر می‌شود. آن‌گاه نتیجه می‌گیرد که تمرکز امکانات در بعضی از شهرهای این‌گونه کشورها موجب به هم‌ریزی نظم سلسله مراتب شهری می‌شود و اهمیت ناچیز سلسله مراتب در شبکه شهری، خود را به صورت نابرابری توسعه اقتصادی در فضای ناحیه‌ای می‌نمایاند.

در ایران به دنبال تغییرات اقتصادی - اجتماعی که از دهه‌های آغازین قرن حاضر صورت گرفت با آشکار شدن مشکلات شهرهایی که روز بروز توسعه می‌یابند و با خالی شدن روستاها از جمعیت، رفته رفته ضرورت مطالعه شهر و روستا محسوستر شد. با اهمیت گرفتن تحقیقات شهری و تهیهٔ طرحهای جامع برای شهرهای مهم کشور بویژه از دهه ۱۳۶۰، ضرورت پرداختن به مسأله روستاها به دلیل ارتباط تنگاتنگشان با نقاط شهری، بیش از پیش مطرح شد. لذا در جغرافیای ایران نیز گرایشات جدیتری نسبت به طرح مسائل شهرها در چارچوب نواحی تابعهٔ آنها و بررسی روابطشان با روستاها به وجود آمد.

از جمله تحقیقاتی که در این زمینه به عمل آمده و می‌تواند الگوی مطالعات ناحیه‌ای و روابط شهر و روستا باشد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تحقیقی در زمینه روابط شهر و روستا، که توسط پروفیسور اکارت اهلرز (Eckart Ehlers) استاد دانشگاه ماربورگ، صورت گرفته است.^۳ وی با تأکید به نقش روبنایی شهرها که بر مبنای روابط

۳- اکارت اهلرز، «دزفول و حوزهٔ نفوذ آن»، جغرافیا، مؤسسهٔ جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، دورهٔ اول، شمارهٔ

تعیین‌کننده ناحیه‌ای شکل می‌گیرد، شهر دزفول را مورد مطالعه قرار داده‌است. به موجب این مطالعه که در دهه ۱۹۶۰ و مقارن اصلاحات ارضی صورت گرفته است، ماهیت مناسبات موجود میان دزفول و نواحی پیرامونی آن بر سه عامل اصلی مبتنی بوده است که عبارتند از:

- روابط سنتی مالکیت در نواحی روستایی.

- نظام پیش فروش تولیدات کشاورزی.

- زیرساخت و ساخت اجتماعی نواحی روستایی.

وی در توضیح این عوامل اظهار می‌دارد که حدوداً ۷۰٪ زمینهای مزروعی ناحیه مزبور متعلق به مالکینی است که در شهر دزفول زندگی می‌کنند و از طریق دریافت سهم مالکانه خود در حقیقت بخش قابل توجهی از درآمد روستاییان را از روستا خارج و در شهر متمرکز کرده‌اند. وی همچنین توضیح می‌دهد که پیش فروش محصولات کشاورزی نیز از جمله عللی است که موجب تجمع بخشی از درآمد روستاییان در شهر می‌شود. تحقیق مزبور با ذکر تفاوت‌های زیرساختی و ساخت اجتماعی میان شهر دزفول و روستاهای اطراف آن به این نتیجه می‌رسد که فروش و مبادله تولیدات و تأمین نیازهای خدماتی آنان که در شهر دزفول صورت می‌گیرد، همه به زیان روستایی و به نفع شهر عمل کرده و باعث باقی ماندن روستاها در فقر مزمن و مشکلات سابقه‌دارشان می‌شود.

- مطالعه رابطه شهر و روستا، در طبس توسط آقای اهلرز از دیگر تحقیقاتی است که در این زمینه صورت گرفته‌است. وی با اشاره به تشابه موضوعات مورد بحث در این حوزه با ناحیه دزفول، قالیبافی را به عنوان وجه مشخصه اقتصاد این ناحیه انتخاب و مورد بررسی قرار داده است. تحقیق مزبور نشان داده است که قالیبافی هرچند در دهه ۱۹۶۰ در شهر طبس و روستاهای اطراف آن رونق یافته لکن به دلیل انجام خدمات فنی آن (مانند حلاجی پشم، ریسیدن و رنگ‌آمیزی نخ قالیبافی) در شهرهای طبس و مشهد و تهران، بخشی از درآمد افزوده به اقتصاد شهری نقاط مذکور باز می‌گردد. قالیهای حوزه طبس معمولاً پس از بافته شدن به فروشندهگان طبسی عرضه می‌شود و آنها هم به بازار مشهد می‌فروشند. بخشی از قالیها نیز که با سرمایه تجار اصفهان و نائین بافته شده‌است، بدون ورود به بازار طبس به شهرهای مذکور می‌رود. بنابراین، نویسنده نتیجه می‌گیرد که اولاً بخش قابل توجهی از ارزش افزوده قالیبافی به شهر طبس و تا حدودی به شهرهای مشهد و تهران و اصفهان و نائین تزریق می‌شود، ثانیاً همین امر یکی از علل عمده گسترش سریع شهرها در دوره‌های اخیر

محسوب می‌شود.^۴

مارسل بازن (Marcel Bazin) از محققان دیگری است که در این زمینه باید از وی نام برد. تحقیق وی با عنوان «قم، شهر زیارتی و مرکز منطقه» که در دهه ۱۹۶۰ صورت گرفت، الگوی قابل توجهی در مطالعات ناحیه‌ای و روابط شهر و روستا به شمار می‌رود. نامبرده ضمن تحقیق مفصلی پیرامون شهر قم و نقش زیارتی و اقتصادی و خدماتی آن به کیفیت رابطه این شهر با ناحیه پیرامون پرداخته است. وی نقش منطقه‌ای شهر قم را با کرمان که توسط پل وارد انگلیش مورد مطالعه قرار گرفته است مقایسه و به مالکیت املاک، صنعت قالیبافی و داد و ستدهای تجاری و نقش اداری شهر قم به عنوان محورهای اصلی رابطه این شهر با نقاط پیرامونی آن اشاره کرده است. در پایان ضمن مقایسه نقشهای مختلف و تعیین حوزه نفوذ شهر قم، نتیجه تحقیق را به رهنمودی برای آینده ختم می‌کند و اظهار می‌دارد:

«... بدین ترتیب می‌بینیم که آینده شهر از نظر رشد و توسعه اقتصادی بجز در امر زیارت برپایه‌هایی سست و شکننده استوار شده، مضافاً به آن که حوزه روستایی اطراف قم نیز بسیار کم جمعیت و کم کار بوده و قادر نیست به رشد و توسعه مرکز منطقه یاری دهد. بدین جهت فوریت صنعتی کردن این شهر بیشتر از دیگر شهرهای ایران احساس می‌شود».^۵

یکی دیگر از تحقیقاتی که باید به آن اشاره کرد، مطالعه‌ای است که پُل وارد انگلیش (Paul Ward English)، تحت عنوان رابطه شهر و روستا در ایران در دهه ۱۹۶۰ به عمل آورده است. اگرچه هم زمانی انجام این تحقیق و مطالعات مشابهی که توسط دارونت (Darvent) (درباره مشهد)، کلارک (Clark) (درباره کرمانشاه)، کنل (Connell) (درباره سمنان)، کاستلو (درباره کاشان)، اهلرز (درباره دزفول و طبس) و بازن (درباره قم) صورت گرفته است سؤال برانگیز است، لیکن صرف نظر از اهداف اصلی محققان، الگوهای قابل استفاده‌ای در مطالعات ناحیه‌ای و درک روابط شهر و روستا به شمار می‌روند.

پل وارد انگلیش، ضمن اختصاص فصولی از کتاب خود به توصیف اوضاع طبیعی و تحول

۴- همو: «رابطه شهر و روستا در ایران (طبس به عنوان یک نمونه)»، مجموعه سخنرانیهای چهارمین کنفرانس جغرافیادانان ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۵۶، ص ۱۶۶-۱۷۵.

۵- مارسل بازن، «قم شهر زیارتی و مرکز منطقه»، مجموعه مقالات جغرافی، شماره ۴، به کوشش محمدحسین پاپلی یزدی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷، ص ۲۳۷-۳۰۶.

تاریخی سکونتگاهها و نقش مورفولوژی منطقه در پراکندگی آنها، آنگاه ساختار اقتصادی شهر کرمان و نقش غالب آن را در ساختار اقتصادی ناحیه مورد بررسی قرار داده و نتیجه می‌گیرد که محور اساسی این روابط را، تسلط اقتصادی شهر کرمان بر فعالیتهای روستائیان در امر تولید دام و قالبیابی و همچنین روابط سنتی مالکیت، تشکیل می‌دهد. وی تصریح می‌کند که روابط مذکور سرانجام به نفع شهر و به زیان روستا عمل نموده، موجب تمرکز امکانات و درآمد روستائیان در شهر کرمان می‌شود.^۶ یکی دیگر از نمونه‌هایی که می‌توان نام برد تحقیق مایکل ادوارد بنین Michel Edward Bonine درباره یزد و فضای پیرامون آن می‌باشد.^۷ بنین در این تحقیق ضمن اشاره به تغییر و تحولات اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران از دهه ۱۹۷۰ (نظیر افزایش سریع قیمت نفت و پیدایش صنایع جدید)، تأثیر این تغییر و تحولات را در توسعه شهرنشینی مورد تأکید قرار داده اظهار می‌دارد که یزد و محیط پیرامونیش نیز از این تحولات برکنار نبوده‌اند. کما این که جمعیت شهر، طی دهه ۷۶-۱۹۶۶، ۵۰٪ افزایش یافته است. این افزایش جمعیت از سویی باعث تغییرات کالبدی، مانند احداث خیابانها و مراکز مسکونی جدید در شهر یزد شده است و از سوی دیگر صدماتی به بخش کشاورزی در نقاط روستایی وارد آورده است.

تحقیق موردنظر از هفت فصل تشکیل شده و طی آن مطالب زیر مورد بحث قرار گرفته است:

- ۱- مجموعه‌های طبیعی و تاریخی؛
- ۲- نقشهای روستا و تأسیسات آن؛
- ۳- تعیین سلسله مراتب روستایی؛
- ۴- نقشهای منطقه‌ای روستا و ساختار فضایی آنها؛
- ۵- رابطه شهرهای کوچکی مانند نفت، بافت، میبد، یزد و مهریز با شهر بزرگ منطقه یعنی یزد؛
- ۶- حاکمیت این شهر برای تهیه کالا و خدمات و درآمدهای پنهان و نامرئی مرکز ناحیه در رابطه با مالکین غایب؛
- ۷- تولیدات تجاری روستا و صنعت بافندگی.

6- Paul Ward English, *city and village in Iran, settlement and Economy in Kirman Basin, the University of wisconsin press, madison, Milwaures and London, 1966.*

7- Michel Edward Bonine, *Yazd and its Hinterland, a central Place system of dominance in the central Iranian plateau.* Marburg, Lahn, 1980.

وی ضمن تأکید بر نقش آب در سکونتگاه‌های فلات مرکزی ایران به نقش غالب تأمین کالا و خدمات در تشکیل مکانهای مرکزی اشاره کرده و تفاوت‌های سلسله مراتبی آنها را ناشی از تفاوت عملکرد آنها در خدمات‌رسانی به نواحی جمعیتی پیرامون، ذکر می‌کند.

همچنین در این باره باید به تحقیقات ارزنده آقایان دکتر مصطفی مؤمنی درباره ملایر و تفت (۱۳۶۰) و دکتر اصغر نظریان درباره اهر (۱۳۵۹) اشاره کرد که در مورد موقعیت ناحیه‌ای و روابط شهرهای مذکور با نقاط پیرامونیشان صورت گرفته است. در این تحقیقات با تکیه بر محورهای عمده روابط شهری - روستایی، مانند مالکیت زمینهای کشاورزی و میزان نقش خدماتی شهرهای مذکور و تأثیر شبکه ارتباطی در این میان، سعی شده است رابطه بزرگترین شهر ناحیه با نقاط روستایی و غیرروستایی در حوزه نفوذی آنها مورد بررسی قرار گیرد. تحقیقات مزبور نشان داده است که رابطه میان شهر ملایر و نقاط روستایی اطراف آن در مقایسه با موارد مشابه، از تعادل نسبی برخوردار بوده است و محدوده نفوذی شهر اهر به نحو محسوسی تحت تأثیر جاذبه نیرومند شهر تبریز قرار داشته است. تحقیقی که پیرامون شهر تفت و حوزه نفوذ آن صورت گرفته مبین آن است که شهر یزد به عنوان مهمترین شهر ناحیه، عواید حاصل از تجارت اضافه تولید شهرستان تفت را (که عمده بر منافع حاصل از باغات انار مبتنی بوده است) قبل از آن که نصیب شهر تفت شود به سوی خود جذب کرده است.^۸ تحقیق آقای احمد اشرف درباره فردوس که تحت عنوان «جامعه و اقتصاد در سکونتگاه فردوس» در دهه ۱۳۴۰ (دهه ۱۹۶۰ م.) صورت گرفته است از جمله مواردی است که جا دارد به آن اشاره شود. وی در این تحقیق نشان داده است که اولاً تقسیم کار مشخصی در رابطه با فعالیتهای کشاورزی و صنعتی، میان نقاط شهری و روستایی فردوس وجود نداشته است. ثانیاً مراکز عمده مبادلات منطقه که عبارت بوده‌اند از شهرهای فردوس و بشرویه و روستاهای سرایان، آیسک و سه قلعه قبل از این که با یکدیگر روابط تجاری داشته باشند، زیر نفوذ بازار مشهد بوده‌اند.^۹ در این جا لازم است به برخی مطالعات و تحقیقاتی که توسط سازمانها و نهادهای مختلف مانند سازمان مسکن و شهرسازی، سازمان برنامه و بودجه، جهاد سازندگی و ... صورت گرفته است

۸- مصطفی مؤمنی، هوشنگ بهرام بیگی، بررسی مشخصات طبیعی، اجتماعی، اقتصادی شهرستان تفت، دفتر فنی جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، ۱۳۶۱.

۹- احمد اشرف، «ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، نامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، دانشگاه تهران، دوره ۱، شماره ۴، تیرماه ۱۳۵۳، ص ۴۶.

نیز اشاره کنیم که هریک بخوبی روابط میان شهر و روستا را مورد توجه قرار داده‌اند. علاوه بر اینها ایران شناسان و کارشناسانی که عمده در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به منظور شناخت راههای نفوذ امپریالیسم به کشورهای زیر سلطه و یافتن بازارهای جدید راهی کشور ما شده‌اند، تحقیقاتی به عمل آورده‌اند که اگرچه مستقیماً تحت عنوان شهر و روستا قرار ندارد، لکن ماهیت این روابط را روشن کرده است. اینان با تشریح اوضاع اقتصادی و اجتماعی و وضعیت سیاسی کشور ما این امکان را فراهم کرده‌اند که بتوان زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی مربوط به نقاط شهری و روستایی و کیفیت ارتباط میان آنها را درک کرد. محققان مزبور در پاره‌ای موارد بطور مستقیم اوضاع اقتصادی و صنایع روستایی و وضع کشاورزی و یا کارکرد شهرها و حوزه‌های ارتباطی آنها را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ مانند سرپرسی سایکس و کلنل مک گرگور که ضمن تشریح مسائل فوق در بخشهایی از ایران، درباره وضعیت قالیبافی و مراکز عمده تولید قالی در نقاط روستایی و بازارهای فروش آن در شهر بیرجند و حتی حوزه صادرات آن به بعضی کشورهای خارجی سخن گفته‌اند.^{۱۰} همچنین است دکتر آلفونس گابریل ضمن پرداختن به جغرافیای طبیعی، در عین حال مطالب قابل توجهی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی نقاط شهری و روستایی ایران را بیان می‌دارد که در تبیین روابط شهر و روستا می‌تواند مورد استفاده فراوان قرار گیرد.^{۱۱}

علاوه بر مطالعات میدانی و تحقیقاتی که حاصل مشاهدات مستقیم محققان بوده است برخی از صاحب نظران به طرح مبانی تئوریک رابطه شهر و روستا پرداخته‌اند. از آن جمله است مقاله آقای اکارت اهلرز (الرس) که ضمن طرح کردن نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری بوبک (Bobek)، به بیان اثرات این روابط در توسعه شهرهای شرق اسلامی پرداخته است. وی همچنین روابط میان شهرهای ایران و سکونتگاههای روستایی اطراف آنها و کیفیت صنعت‌گرایی در این شهرها را مورد بحث قرار داده است.^{۱۲} همچنین است کتاب «شهرنشینی در ایران» که در آن تحولات روابط شهر و روستا در دهه‌های

۱۰- کلنل مک گرگور، شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان، ترجمه مجید مهدی‌زاده، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.

۱۱- آلفونس گابریل، عبور از صحاری ایران، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.

۱۲- اکارت اهلرز (الرس)، «سرمایه‌داری بهره‌بری و گسترش شهری در شرق اسلامی (نمونه ایران)»، ترجمه عباس سعیدی، علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱، ۱۳۷۵.

اخیر مورد توجه قرار گرفته است. این کتاب ضمن توجه به عوامل زیربنایی تعیین کننده این روابط، تفاوتی میان مقاطع مختلف تاریخی قائل شده، دوره های مزبور را به شرح زیر تقسیم بندی کرده است:

- سالهای بعد از ۱۳۰۰ ه. ش تا ۱۳۲۰ که مصادف است با رشد آرام شهرنشینی.

- ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ که همچنان رشد شهرنشینی ادامه یافته است.

- سالهای بعد از ۱۳۴۰ که همزمان با رشد سریع شهرنشینی است.^{۱۳}

در کتاب «جغرافیا و شهرشناسی» نیز بخشهایی از کتاب به بررسی نقش و کارکرد شهرها و کیفیت روابط آنها با نقاط پیرامونی اختصاص یافته است. نویسنده ضمن بررسی آرای صاحب نظران، روابط مذکور را عمده براساس محورهای خاصی ذکر می کند که متکی بر مالکیت های سنتی، نقش مرکزی شهر در مبادله تولیدات روستاها، نقش روستاها در تأمین نیروی انسانی شهرها و نهایتاً تمرکز ثروت و درآمد در مراکز ناحیه است.^{۱۴}

همچنین در کتاب «مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران» با تکیه بر عوامل تاریخی، تحولات روابط میان نقاط شهری و روستایی و روند افزایش روستاگریزی و شهرگرایی، مورد بررسی قرار گرفته است.^{۱۵}

مقاله ای که آقای دکتر اصغر نظریان تحت عنوان «سیر تحول شهر و روستا در ایران» نگاشته اند از جمله منابع قابل ذکری است که طی آن دیدگاههای عمده مورد توجه قرار گرفته و سپس محورهای اساسی روابط شهر و روستا به شرح زیر توضیح داده شده است:

۱- روابط مالکیت سنتی و قدیمی با فرم تغییر شکل یافته آن بعد از اصلاحات ارضی.

۲- تسلط تجاری روزافزون شهرها با تکیه بر افزایش درآمد ملی و سرمایه گذاری بیشتر در شهرها.

۳- بهره برداری وسیع و تمرکز نیروی انسانی روستا در شهرها.

۴- نقش اداری و خدماتی در حال افزایش شهرها.^{۱۶}

همچنین در این زمینه باید به مطالبی اشاره کرد که توسط احمد اشرف تحت عنوان «رابطه

۱۳- فرخ حسامیان (و دیگران)، شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۳.

۱۴- یدالله فرید، جغرافیا و شهرشناسی، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸.

۱۵- حسین سلطان زاده، مقدمه ای بر تاریخ شهرنشینی در ایران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

۱۶- اصغر نظریان، «سیر تحول روابط شهر و روستا در ایران»، مجموعه مقالات سمینار جغرافی (شماره ۶)،

شهر و ده و مفهوم مناطق شهری» به چاپ رسیده است. وی ضمن اشاره به ساختار اجتماعی شهر و روستا، به بیان خصوصیات هر یک از نهادهای مزبور در دوره اسلامی پرداخته، چنین نتیجه می‌گیرد که تفاوت چندانی از نظر تقسیم اجتماعی کار و نوع فعالیت و خصوصیات فرهنگی میان شهر و روستا وجود نداشته است.

نویسنده ضمن ارائه اسناد و شواهد تاریخی، این واقعیت را مورد تأکید قرار می‌دهد که بسیاری از شهرها، همانند روستاها به فعالیتهای کشاورزی اشتغال داشته‌اند و بعضی از نقاط روستایی را نیز مثال می‌آورد که در فعالیتهای صنعتی شهرت داشته‌اند. همچنین به شهرهایی همچون قم، قزوین و کازرون اشاره می‌کند که چیزی جز روستاهای متصل شده به یکدیگر نبوده‌اند. نویسنده در پایان به این نتیجه می‌رسد که در شهرهای ایرانی در دوره اسلامی نمی‌توان از تقابل مطلق و کشاکش میان شهر و روستا سخن گفت، در نتیجه مناسبترین مفهومی که می‌توان به کار برد؛ مفهوم منطقه شهری است که شامل شهر و منطقه نفوذ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی آن در روستاهای پیرامون است که مجموعه به هم بسته و یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند.^{۱۷}

بازتاب تحولات اقتصادی - اجتماعی کشور در رابطه شهر و روستا

میان شهر و روستا از دیرباز روابط متقابلی وجود داشته که برحسب شرایط گوناگون جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی و اجتماعی، شکل و محتوا و شدت و ضعف آن تفاوت کرده است. مهمترین انگیزه‌ای که چنین روابط را موجب شده، در ساختار اقتصادی و اجتماعی نقاط شهری و روستایی نهفته است. اشتغال روستاییان به کشاورزی، یکی از علل عمده‌ای است که نیاز به مبادله اضافه تولید محصولات کشاورزی با کالاها و خدمات شهری را ضرورت می‌بخشد.

در نواحی خشک و نیمه خشک نظیر کشور ما، این روابط ویژگی خاصی دارد. «در این نواحی به علت ناپایداری ذاتی و دائمی، زندگی روستایی به غیر از هسته‌هایی که دسترسی کافی به آب داشته و بهره‌برداری متمرکز از زمین در نتیجه آبیاری امکان پذیر شده است، روستا وابستگی شدیدی را نسبت به شهر احساس می‌کند. علت این امر ارتباط مستقیم این واحدها با یک محیط جغرافیایی نامساعد است که در آن جا کشاورزی دیم همیشه یک زندگی نامطمئن برای کشاورزان فراهم می‌آورد».^{۱۸}

ضعف پتانسیلهای طبیعی در نقاط روستایی کشور ما که در عین حال موجب عدم استقلال

۱۷- احمد اشرف، همان، ص ۴۱-۴۹.

۱۸- اصغر نظریان، مجموعه مقالات سمینار جغرافی (شماره یک)، ص ۳۶۸.

اقتصادی و اجتماعی می‌شده، آنها را در موضعی انفعالی و اثرپذیر، نسبت به نقاط شهری (که معمولاً قطبهای قدرت سیاسی و مراکز تصمیم‌گیری و حضور مالکان عمده زمینهای کشاورزی بوده) قرار می‌داده‌است. در نتیجه، روابط میان شهر و روستا به جای آنکه براساس روابط اقتصادی متقابل و مکمل استوار باشد، به سوی وابستگی هرچه بیشتر روستا به شهر متمایل بوده است. به عنوان نمونه می‌باید به شهرهایی اشاره کرد که با متمرکز کردن کلیه مراکز سیاسی و اداری و خدماتی یک منطقه، سلطه خود را بر تمامی کانونهای جمعیتی کوچکتری که در منطقه وجود داشته‌اند، تحمیل کرده‌اند. «چنین شهری را در صورتی که جایگاه سلطان، امیر یا حاکم مقتدری بود «دارالملک» می‌نامیدند نیشابور، عهد صفاریان، شیراز در قرن چهارم، اصفهان و همدان در عهد سلجوقیان، ساری و ارم در عهد ملوک مازندران دارالملک بودند»^{۱۹}

بنابراین میزان اهمیت سیاسی شهرها و انتخاب آنها به پایتختی و یا به عنوان مرکز حکومتهای محلی و یا مرکزیت ناحیه و استان، در وضعیت نقاط روستایی پیرامون آنها نیز مؤثر بوده‌است.

«امروزه نیز شهرها ضمن شکل‌پذیری از ناحیه جغرافیایی خود، به شکل دهی و سازمان‌بخشی همه روستاها و بخشهای اطراف خود می‌پردازند. شهرها، روستاها و حوزه‌های کشاورزی اطراف خود را کنترل می‌کنند و گاهی این اثربخشی تا بدان حد می‌رسد که ساختمان اقتصادی و مورفولوژی همه مراکز جمعیتی زیر نفوذ عوامل شهری قرار می‌گیرد. از این رو می‌بینیم که بین ویژگیهای خاص یک ناحیه و بزرگترین شهر آن نوعی وابستگی و پیوستگی داخلی و دائمی وجود دارد و این وابستگی در همه زوایای ناحیه ریشه دوانیده‌است. اما چنین وابستگی پرثمری بین روستاهای همان ناحیه ضعیف می‌گردد»^{۲۰}

تغییرات شدیدی که در اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران طی چند دهه اخیر پدید آمد روابط میان شهر و روستا را بکلی دگرگون کرد. تا این زمان اگرچه شهرها حاکمیت آشکاری در نواحی داشتند، لیکن این واقعیت نیز قابل انکار نیست که نوعی از تعادل بر مبنای داد و ستد میان شهر و روستا وجود داشته که حیات نواحی مختلف را تضمین می‌کرده است. داد و ستدی که براساس مبادلات اضافه تولید محصولات کشاورزی روستاها و تأمین خدمات و کالاهای مورد نیاز آنان بوده است. لیکن طی چند دهه اخیر با تغییراتی که در ساختارهای اقتصادی - اجتماعی کشور به وجود

۱۹- حسین سلطان‌زاده، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی، ص ۲۲۷.

۲۰- اصغر نظریان، مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی، ص ۷۰-۲۶۹، به نقل از حسین شکویی، جغرافیای شهری، جلد

آمد و در اثر سیاستگذاریهای رژیم گذشته، تعادل قبلی، بکلی درهم ریخت. برخی صاحبانظران، ریشه‌ها و رمینه‌های اصلی این تحولات را به رویدادهای قبل از دهه‌های اخیر و روی کارآمدن سلسله پهلوی نسبت داده اظهار می‌دارند: «... زمینه‌های هجوم سرمایه‌داری به جهانی که بعدها به جهان سوم موسوم شده از قرن پانزدهم میلادی آغاز گردید لیکن چنگ‌اندازی غرب به ایران واقعاً در دوران حکومت ناصرالدین شاه قاجار رخ داد.»^{۲۱}

بنابراین تحولات شهر و روستا را باید براساس مقاطع مختلف زمانی به شرح زیر پیگیری کنیم:

روابط شهر و روستا در عهد قاجاریه

در این سالها که کشورهای صنعتی مرحله کاپیتالیسم صنعتی را پشت سر گذاشته وارد مرحله کاپیتالیسم تجاری شده بودند. به دلیل اشباع بازارهای مصرف بشدت در جستجوی بازارهای جدید بودند تا بتوانند خود را از خطر ورشکستگی برهانند. کشور ما که در این سالها به جرگه تجارت جهانی داخل شده بود ولی هنوز تجربه سیاسی لازم را کسب نکرده بود، دچار لطمات جبران‌ناپذیری شد. بویژه این که زمینه‌های عدم مدیریت صحیح و عدم به کارگیری نیروهای مولد و پتانسیلهای موجود و نشناختن شرایط اقتصاد و سیاست جهانی، این تأثیرات سوء را شدت می‌بخشید. در این زمان «تسلط بر تجارت خارجی ایران در ارتباط با نیاز جدید به سرمایه‌گذاری انگلیس و روس (خرید مواد خام ارزان و فروش مازاد تولیدات صنایع) بتدریج اقتصاد ایران را محکوم به پذیرش تقسیم کار بین‌المللی از سوی کشورهای استعماری روس و انگلیس کرد ... ساخته‌های صنعتی کشورهای امپریالیستی، از منسوجات گرفته تا ماشین‌آلات جای خود را در واردات ایران باز کرد. صادرات کشور نیز تحت تأثیر نیازهای امپریالیسم از ابریشم (که قرن‌ها صادرات عمده ایران را تشکیل می‌داد) به سوی تریاک، پنبه و برنج گرایش یافت و تولید برای صادرات و پیوند خوردن کشاورزی داخلی به بازار جهانی امپریالیستی، در اقتصاد ایران جایی ویژه برای خود اشغال کرد. ورشکستگی کارخانه‌های نوبنیاد در سالهای پیش از سال ۱۳۰۰ و زیان تجار داخلی در تجارت کالاهای ایرانی به علت برخورداری تجار داخلی از مزایای گمرکی، کیفیت و تنوع بیشتر و هزینه تولید پایینتر کالاهای خارجی، گرچه به انحصار کامل تجارت خارجی از سوی استعمارگران نکشید، اما عمده تجارت خارجی ایران به دست تجار انگلیسی و روسی افتاد و بسیاری از تجار ایرانی با

۲۱- پرویز بیران، «توسعه برون‌زا و شهر»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهارم، شماره اول، ص ۴۵.

هدف کسب بیشترین سود به عامل فروش کالاهای خارجی در کشور تبدیل شدند».^{۲۲}

یکی از عوامل نابسامانی اوضاع اقتصادی ایران در این زمان قروض خارجی بوده است که یقیناً خود از تبعات وابستگی سیاسی به شمار می‌رود و از نتایج استعمار شوم انگلیس می‌باشد که نتایج حاصل از انقلاب صنعتی و تجارت جهانی رابه زیان کشور ما تمام کرد. جمال‌زاده در این باره چنین می‌نویسد:

«پس از قرضی که ناصرالدین شاه در ۲۸ رمضان ۱۳۰۹ برای پرداختن ۵۰۰/۰۰۰ لیره انگلیس از بابت خسارت کمپانی انگلیسی دخانیات رژی از بانک شاهنشاهی نمود دولت ایران یک سلسله مفصل قرضهای دیگر خواه از انگلیس یا از روس نموده است و جای آن دارد که بگوییم همین سلسله قروض سلسله بندیگی کشور ایران گردیده است و یک ملت بزرگ و قدیم را محکوم خواهشهای جابرانه بیگانگان پرطمع و کم‌انصاف نموده است».^{۲۳}

جدول زیر میزان قروض ایران را در آغاز قرن حاضر نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: میزان قروض ایران از کشورهای خارجی در آغاز قرن حاضر (هق)

نمره	مبلغ	تاریخ	دهنده	مدت
۱	۲۲۵۰۰۰۰۰۰ منات (طلا)	سال ۱۳۱۸	روس	۷۵ ساله
۲	۱۰۰۰۰۰۰۰۰ منات (طلا)	۱۳۲۰	روس	۷۵ ساله
۳	۳۱۴۲۸۱ لیره انگلیس (طلا)	۱۳۱۸	هند	۱۵ ساله
				(ابتدا از سال ۱۳۲۲)
۴	۱۱۱۱۱۰۰ لیره انگلیس (نقره)	۱۳۲۹	روس	۱۵ ساله
				(۶۰۰۰۰۰۰۰ قران)
۵	۱۲۵۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی (طلا)	۱۳۲۹	انگلیس	۵۰ ساله
				(ابتدا از ۲۴ صفر ۱۳۳۴)
۶	۱۴۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی	۱۳۳۰	هند و انگلیس	بدون تعیین مدت
۷	۲۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی	۱۳۳۱	روس	۳ ساله
۸	۲۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی	۱۳۳۱	انگلیس	۲ سال و نیمه
				(از ۱۸ شعبان ۱۳۳۳)
۹	۱۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی	۱۳۳۱	انگلیس	بدون تعیین مدت

مأخذ: محمدعلی جمال‌زاده، گنج شایگان، ص ۱۵۲.

۲۲- ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایران، نشر سخا، ۱۳۶۷، ص ۶۴۴-۶۵۵.

۲۳- محمدعلی جمال‌زاده، گنج شایگان، کتاب تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۵۱.

مراجعه‌ای به بیلان دخل و خرج دولت در این ایام نشان‌دهنده کسری بودجه و فزونی واردات بر صادرات است که برای ایران پدیده‌ای نوظهور به شمار می‌رفت. جدول زیر خلاصه دخل و خرج دولت را حدوداً در سال ۱۲۹۰ ه.ش نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: خلاصه صورت دخل و خرج تخمینی دولت در سال ۲۹-۱۳۲۸ ه.ق.

برحسب قران

مبلغ	مورد	
۶۰۰۰۰۰۰	مخارج دربار همایون و غیره	دولت
۱۸۰۰۰۰۰	مخارج مجلس شورای ملی ...	
۵۶۷۰۰۰۰۰	وزارت مالیه ...	
۳۱۰۲۰۰۰۰	وزارت داخله ...	
۳۸۸۶۰۰۰۰	وزارت جنگ ...	
۷۸۳۰۰۰۰۰	وزارت خارجه ...	
۱۲۰۰۰۰۰۰	وزارت عدلیه ...	
۸۵۵۰۰۰	وزارت معارف و اوقاف و نوایید عامه ...	
۲۴۰۰۰۰	وزارت تجارت ...	
۳۵۰۰۰۰۰۰	از بابت کسر و لاوصول مالیات و مخارج فوق‌العاده ...	و ای ر ت
۱۰۶۵۵۱۸۰۰	مالیات ولایات و وجوه گمرک و سایر عایدات دولتی ...	
۸۳۷۵۳۲۰۰	باقی که بلا محل است ...	

مأخذ: محمدعلی جمالزاده، گنج شایگان، ص ۱۶۴.

وارد شدن پول و حاکمیت یافتن آن در مراودات میان شهر و روستا که به موازات استحکام پایه‌های سرمایه‌داری وابسته صورت می‌گرفت از جمله عوامل دیگری بوده‌است که حیات اقتصادی کشور و از جمله اقتصاد روستایی را به مخاطره افکنده بود.

هنری گوپلت در این باره می‌نویسد:

«... در روستاها مبادلات پولی اهمیت بیشتری یافته و جای مبادلات کالایی را می‌گرفت.

توسعه محصولات چمن ابریشم، تریاک، پنبه و تنباکو را معامله نقدی تشویق می‌کرد؛ چراکه این

محصولات در روستاها تولید شده و در خارج از آنها به فروش می‌رفت...»^{۲۴}

وارد شدن محصولات کشاورزی کشور در پروسه تجارت پولی زیانهای چندجانبه‌ای به آنها وارد و آنها را در چنگال سلف‌خران و رباخواران گرفتار کرد. کنسول انگلیس در مشهد وضع نابسامان کشاورزان را چنین توصیف می‌کند: «... حالا همه چیز عوض شده است. آنها می‌دانند که یک یا دو هفته مانده به عید سر و کله محترمان روس پیدا می‌شود و کشت پنبه آنها را سلف‌خر می‌کنند و بذر آن را فراهم می‌سازند و یا این‌که بهترین سهم غلات آنها را پیش‌خر می‌کنند. روستاییانی که غافل هستند، سهم خود را می‌فروشند و در زمان محصول‌برداری متوجه می‌شوند که غله کافی برای اعاشه زمستانشان وجود ندارد...».

کنسول انگلیس دربارهٔ گیلان سال ۱۸۶۵ میلادی چنین گزارش می‌دهد:

«دهقانان در اکثر نواحی گیلان شدیداً مقروض مالکان خود هستند که ۲۴ تا ۴۰ درصد، کمترین ربح این قرضهاست. پولی که بدین ترتیب به دست می‌آید به زودی از بین می‌رود. کافی است یک سال محصول تعریفی نداشته باشد تا وی نتواند قرض خود را سرشکن سازد. وقتی هم که از مضیقه‌هایی پیدا می‌کند برای فرار از تعقیب طلبکارانش از روستا می‌گریزد».^{۲۵}

لطمه‌ای که به صنایع دستی وارد آمد به نوبهٔ خود یکی دیگر از علل برهم ریختگی تعادل روابط میان شهر و روستا محسوب می‌شود. علاوه بر ورود ایران به جرگهٔ تجارت بین‌المللی، علل دیگری نیز در رکود صنایع دستی دخالت داشته است که «یاکوب پولاک» آنها را یادآوری کرده است. وی در گزارشی که در سال ۱۸۵۰ میلادی دربارهٔ اوضاع اقتصادی ایران ارائه کرده است، دلیل مزبور را چنین برمی‌شمارد:

- عدم تلاش دولت برای بالا بردن سطح صنعت کشور.
- وجود یک سیستم تعرفهٔ غیرمنطقی که واردات اجناس خارجی را برای فلج کردن تولیدات داخلی تشویق می‌کند.
- عدم وجود راه و وسایل حمل و نقل مناسب.
- عدم بهره‌برداری از امکانات موجود نظیر واردکردن مس از خارج درحالی که ذخایر فراوانی از

۲۴- چارلز عبوسی، تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار، ۱۲۱۵-۱۳۳۲ ه.ق)، یعقوب آژند، نشر گسترده، سال ۱۳۶۲،

ص ۳۲۰.

۲۵- همان، ص ۳۲۱.

مس در کشور وجود دارد.

- فقدان تکنولوژی.

- کمبود سرمایه و نرخ زیاد بهره.^{۲۶}

وصول مالیاتهای غیر معقول و بی ضابطه بخصوص از بخش کشاورزی، یکی دیگر از عوامل قابل ذکر در این زمینه است. مالیات ارضی از سایر مالیاتها سهم بیشتری داشت که مصادره‌های نامنظم نیز بر آن افزوده می‌شد. کاتوزیان با استناد به نوشته‌های لرد کرزن و گاردان و ملکم، نظر کرزن را که میزان مالیات از محصولات کشاورزی را ۲۵٪ ذکر کرده است به واقعیت نزدیکتر دانسته، اظهار می‌دارد که اگر این رقم را با رقم مربوط به مصادره‌ها که آن هم تقریباً ۱۵٪ از محصولات کشاورزی را به خود اختصاص می‌داده جمع کنیم، کل بار مالیاتی در چند دهه آخر قرن ۱۳ هـ. ق/ ۱۹ م. باید به ۳۵٪ تا ۴۰٪ افزایش یافته باشد.^{۲۷}

مشکلات مزبور موجب برهم ریختن تعادل اقتصادی - اجتماعی کشور شد. نمونه بارز این آشفتگی در بخش اقتصادی گزارشی است از «انتتر» درباره وضع بازرگانی ایران و روسیه که نشان می‌دهد ایران تا پایان قرن سیزدهم هـ. ق یا نوزدهم میلادی مازاد بازرگانی داشته لکن این مازاد که از ۱۲۰۹/۱۸۳۰ رو به افزایش نهاده و در ۱۸۶۴/۱۲۴۳ به مرز ۴/۴ میلیون روبل طلا رسیده بود از آن پس پیوسته (به جز یک مورد استثنایی) رو به کاهش می‌گذارد تا در سرآغاز قرن ۲۰/۱۴ به کسری مبدل می‌شود.^{۲۸}

ضربات مهلکی که بر اقتصاد کشاورزی و صنایع دستی کشور وارد آمده بود منجر به مهاجرت آنان به نقاط شهری و نواحی صنعتی کشور شد. گزارشات واصله، اوضاع اقتصادی ایران در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم را چنین توضیح می‌دهند: «دهقانان فقیر طبق معمول در زمینه‌های صنعت نفت در جنوب، ماهیگیری در دریای خزر و ایجاد راهها، پلها، بنادر و کارهای آبیاری بیشتر بود. بدیهی است که در میان ماهیگیران سواحل جنوبی دریای خزر تعداد زیادی خلخال از آذربایجان دیده می‌شدند».

۲۶- همان، ص ۴۱۴.

۲۷- محمدعلی کاتوزیان (همايون)، اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا سقوط رضاشاه پهلوی)، ترجمه محمدرضا

نفیس، انتشارات پایروس، ۱۳۶۶، ص ۵۵.

۲۸- همان، ص ۶۲.

دامنهٔ این مهاجرت‌ها به داخل کشور محدود نمی‌شد بلکه به روسیه و آسیای مرکزی و ترکیه و کراچی و هرات تا زنگبار در آفریقا و معادن آهن کری وی رگ در اوکراین بسط یافت.

«طبق گفته سوبوتسینسکی (L. Sobotsinskii) در سال ۱۹۱۱ م. ۱۹۳۰۰۰ نفر از ایران به روسیه مهاجرت کرده‌اند ... مانانوف که گزارشش در آرشیوها نگهداری می‌شود، می‌گوید که رخنه مردم به ماوراء خزر در سال ۱۹۰۹ م. برای جستجوی کار آنقدر افزایش یافت که تعداد دویبری که در روستاهای خراسان پاسپورت داخلی می‌دادند از ده تا به بیست و پنج تا رسید. در مقاله «بلووا» آمده است که در سال ۱۹۰۵ م. در عشق آباد حدود ۵۱۵۰ نفر تبعه ایران وجود داشته است».^{۲۹}

روابط شهر و روستا در آغاز قرن حاضر

در آغاز قرن حاضر با روی کار آمدن رضاخان توسط دولت استعمارگر بریتانیا که از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ه.ش به طول انجامید. فصل نوینی در حیات اقتصادی - اجتماعی ایران آغاز شد و زمینه برای عملکرد سرمایه‌داری هموارتر شد. بازتاب این تحولات، روابط شهر و روستا را بتدریج دستخوش دگرگونیهای آشکاری کرد. روستاها در این زمان $\frac{۳}{۴}$ از جمعیت کل کشور و بخش عمدهٔ تولیدات داخلی را به خود اختصاص می‌دادند و نقاط شهری به عنوان کانون مبادلهٔ اضافه تولید محصولات کشاورزی و مراکز سیاسی حاکم بر ناحیه، ایفای نقش می‌کردند. نویسندهٔ کتاب اقتصادی، سیاسی ایران در این باره می‌نویسد:

«دستاوردهای اقتصادی زمان رضاشاه حاصل برخورد معقول و متناسب ... با پیشرفتهای اقتصادی نبود و جملگی از محل درآمد نفت و مالیاتهای غیرمستقیم که بار آنها به دوش مردم عادی بود پرداخت می‌شد. هرگونه سرمایه‌گذاری به ساختمان جاده‌ها، کارخانه‌ها، مدرسه‌ها و بانکها می‌انجامید ... با این همه تردید نمی‌توان داشت که رشد کل تولید و درآمد قابل توجه بوده اما برندگان اصلی اقشار مرفه تهران و چند شهر عمدهٔ دیگر بودند و از این میان بهترین سود را اقشار بالای بوروکراسی دولتی و شرکای تجاری‌شان بردند، هرچند تاجران و واسطه‌ها نیز از آن بی‌بهره نماندند».^{۳۰}

همچنان‌که ملاحظه می‌شود، در این دوره بیشتر به بخش صنعت و تجارت توجه می‌شده است که نهایتاً به سود سرمایه‌داران و تجاری تمام می‌شده که در تهران و یا چند شهر بزرگ دیگر ایران

۲۹- ابراهیم رزاقی، همان، ص ۷۴-۷۸.

۳۰- محمدعلی کاتوزیان (همایون)، همان، ص ۱۸۵.

سکونت داشته‌اند. همچنین، اموری که در آنها سرمایه‌گذاری می‌شده مانند کارخانه‌ها، مدرسه‌ها و بانکها، جایگاهشان در شهرها و به سود آنها بوده‌است. در مقابل رشد بخش صنعت و زمینه‌سازی برای رشد و گسترش چند شهر بزرگ در کشور، بخش کشاورزی از اهمیت چندانی برخوردار نبوده‌است. نویسنده در این باره چنین ادامه می‌دهد:

«کشاورزی بر روی هم کمک چندانی دریافت نکرد و مناسبات حاکم بر آن دقیقاً به همان حال باقی ماند که قرن‌ها دچارش بود. اما دامنه تبعیض مداوم و همه جانبه‌ای که علیه روستاییان اعمال می‌شد تنها در تمرکز سرمایه‌گذاری دولتی در صنایع تیلور نمی‌یافت و بسیار فزاینده‌تر از آن می‌رفت. دولت خریدار و توزیع‌کننده انحصاری محصولات عمده کشاورزی شامل گندم و جو بود که غذای اصلی مردم را تشکیل می‌داد. بدین سان دولت به عنوان خریدار انحصاری، قیمت محصولات کشاورزی را در پایینترین حد ممکن و شرایط مبادله داخلی را پیوسته بر ضد جمعیت روستایی نگاه می‌داشت ... هدف این سیاست ناعادلانه، کاهش مصرف دهقانان به نفع تهران و یکی دو شهر دیگر بود ...»^{۳۱}

نگاهی به لیست اعتبارات عمرانی دولت رضاشاه در سالهای ۲۰-۱۳۱۲ نیز نشان می‌دهد از میان وزارتخانه‌های موجود، بیشترین اعتبار به وزارت راه (۷/۲۳٪) از کل اعتبارات دوره مزبور) و سپس به وزارت صنایع و بازرگانی (۱۹٪) اختصاص داشته‌است. میانگین اعتبارات وزارت کشاورزی در دوره مزبور تنها ۵/۲٪ بوده است.^{۳۲}

در برابر این اقدامات که منجر به تضعیف بخش کشاورزی می‌گردید، رضاشاه احداث کارخانجات جدید را بطور جدی پیگیری کرد. بطوری که در اثر تلاشهای وی تعداد آنها در فاصله ۲۰-۱۲۱۰ ه.ش، از ۹۳ واحد به ۱۷۳۵ واحد افزایش یافت.^{۳۳}

توجه بیش از حد به راهها از جمله فعالیتهایی بوده‌است که زمینه گسترش تجارت و پیوستن به تجارت جهانی را در این دوره فراهم آورده‌است. ورود وسائط نقلیه در همین راستا به سرعت افزایش یافت بطوری که تعداد آن از یک اتومبیل در سال ۱۲۸۹ به ۸۰۰۰ اتومبیل و ۶۰۰۰ کامیون در سال ۱۳۰۸ رسید. درحالی که گسترش جاده‌های اتومبیل‌رو بسرعت پی‌گیری می‌شد؛ خطوط آهن نیز از

۳۱- همان، ص ۱۸۵-۱۸۶.

۳۲- همان، ص ۱۸۳.

۳۳- ابراهیم رزاقی، همان، ص ۶-۱۰.

نظر دور نماند. طرح اولین خطوط در مسیر تبریز به مرزهای روسیه و زاهدان به مرزهای هندوستان (پاکستان فعلی) به اجرا درآمد که کاملاً نشان‌دهنده اغراض و اهداف استعمارگران از احداث راههای ارتباطی در ایران بود؛ زیرا اولی که توسط روسها به اجرا درآمده بود، تبریز را به جلفای روسیه و دومی که توسط انگلیسیها اجرا می‌شد، در جهت اتصال خط آهن اروپا به هندوستان بود. پس از چندی این خطوط به علت رقابت قدرتهای استکباری آن زمان، که هریک در اندیشه اجرای منویات خود بودند تعطیل شد ولی سرانجام خط آهن سراسری در سال ۱۳۱۷ و در دهه ۱۳۳۰ خط آهن تبریز - تهران و مشهد - تهران به انجام رسید. این خطوط نیز، قبل از آن که در جهت تأمین منافع کشور باشد، متضمن منافع بیگانگان (بهخصوص دولت استعماری بریتانیا) و به منظور اتصال دریای شمال به خلیج فارس بود. به همین دلیل از برخی شهرهای سر راه خود، دهها کیلومتر فاصله داشت.^{۳۳}

اهمیت راهسازی موجب شد تا در سال ۱۳۰۲ اداره‌ای به نام «طرق و شوارع» در وزارتخانه «فوائد عامه» به وجود آید. این اداره تا سال ۱۳۱۷ موفق به احداث ۲۲۴۰۰ کیلومتر راه جدید در کشور گردید. تحولات عمده اقتصادی - اجتماعی کشور از آغاز قرن حاضر تا ۱۳۲۰ را دکتر رزاقی چنین خلاصه می‌کند:

«توسعه تجارت با خارج، تولید و صدور مواد اولیه کشاورزی و واردات کالاهای ساخته شده همراه با کسری تراز بازرگانی نه تنها به ورشکستگی و خانه خرابی پیشه‌وران انجامید ... بلکه پرداخت کسری، با تشدید استثمار دهقانان و افزایش ستم به آنان همراه شد ... پیوستگی بیشتر اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی سرمایه‌داری موجب می‌شد تا بحرانهای اقتصادی و تجاری در جهان (از جمله بحران عمومی ۱۹۳۰ م / ۱۳۰۹ ه. ش) مستقیماً بر زندگی و معیشت دهقانان ایرانی تأثیر گذارد. دهقانان همانند دوره قاجاریان در چنبره فقر و تحت استثمار و ستم شدید اربابان، سردارها، خانها و مأموران دون پایه و صاحب منصب دولتی زندگی می‌کردند ...»^{۳۴}

طی دهه ۱۳۲۰ و اوایل دهه ۱۳۳۰، وقوع جنگ جهانی دوم و رکود اقتصادی کشور و کاهش تجارت محصولات کشاورزی، روستاها را با مشکلات جدیدی مواجه کرد. شهرها گرچه خود دچار رکودی نسبی بودند، لیکن در عین حال پذیرای روستاییانی بودند که به دلیل کاهش صادرات محصولات کشاورزی، جزو بیکاران روستایی به شمار می‌رفتند. تعدادی از روستاییان که امیدی به

همین راه در زمان جنگ جهانی دوم، وسیله نجات متفقین شد.

شهرها نداشتند راه خارج از کشور را در پیش گرفتند. بنابراین از دوره مذکور است که جمعیت شهری کشور رو به تزاید می‌گذارد و از ۱/۶٪ در سالهای پیش از ۱۳۲۰ به ۲/۷٪ می‌رسد. کشاورزی نیز به عنوان فعالیتی که تا پیش از سال ۱۳۰۰ ه.ش حدوداً ۷۰٪ تولیدات ملی کشور را تأمین می‌کرد از همین زمان به حاشیه رانده شده و درآمدهای نفتی بخصوص از سال ۱۳۳۲ جایگزین آن می‌شود.^{۳۵} پس از پشت سر گذاشتن دوره رکود و خاتمه اثرات جنگ، مدرنیزاسیون که شهرها مرکز تحقق آن بودند ادامه یافت. درآمد نفت که از سال ۱۳۳۲ به اقتصاد کشور وارد شده بود، جایگزین درآمد حاصل از کشاورزی شده، موجبات رکود بیش از پیش کشاورزی را فراهم آورد. نحوه تقسیم‌بندی اعتبارات برنامه دوم اقتصادی (۴۱-۱۳۳۴) که در زمان پهلوی دوم تحقق می‌یافت، نمونه بارزی از توجه به شهرها و کم‌اعتنایی به بخش کشاورزی می‌باشد. در برنامه مزبور به بخش کشاورزی ۱۷/۳٪ به امور اجتماعی اختصاص داشته که صرف بهبود شرایط زندگی در نقاط شهری و ایجاد در مانگاهها، بیمارستانها، مدرسه‌ها و سایر تأسیسات و تجهیزات شهری شده است. طی برنامه مزبور «... در چهل شهر لوله کشی آب صورت گرفت. آسفالت خیابانهای ۶۳ شهر انجام شد و به ۱۴۴ شهر برق داده شد».^{۳۶} بنابراین در برنامه مزبوره تنها با ایجاد امکانات خدماتی در نقاط شهری بر جاذبه شهرها افزوده می‌شد بلکه با اختصاص سهم اندکی از اعتبارات به بخش کشاورزی و صنعت و معدن و اختصاص درصد بالایی به امور خدماتی و غیر تولیدی، توازن اقتصاد ملی نیز برهم می‌ریخت و بدیهی است که اثرات و تبعات هریک از این دو خود را به صورت عدم توازن و تعادل در روابط شهر و روستا می‌نمایاند. یکی دیگر از عوامل به هم خوردن تعادل اقتصاد ملی، اتکای بیش از حد کشور به درآمدهای حاصل از نفت بود. این در حالی بود که «... بخش کشاورزی بزرگترین سهم را در تولید ناخالص ملی در تمامی دوره ۱۳۴۹-۱۲۷۹ داشته اگرچه مقدار نسبی آن طی سالها کاهش یافته است... بعد از این سالها درآمد حاصل از فروش نفت مقامی ویژه در تولید ناخالص ملی و بودجه کشور به خود اختصاص داد و به تبع آن روند صنعتی شدن نیز مدنظر قرار گرفت. عواید نفتی ایران از ۸۱۷ میلیون دلار در سال ۱۳۲۷ به ۲/۲۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۱ و به ۱۹/۶ میلیارد دلار در ۱۳۵۵ افزایش یافت بطوری که در سالهای ۱۳۴۷ درآمد نفت ۷۵٪ دریافت‌های ارزی کشور، ۲۰٪ از تولید ناخالص

۳۵- فرخ حسامیان و دیگران، ص ۳۷-۵۰.

۳۶- حسین سلطانزاده، ص ۱۸۰.

ملی و ۵۰٪ از کل درآمدهای دولت را تشکیل می‌داد.^{۳۷}

مراجعه‌ای به درصد اعتبارات برنامه دوم نشان می‌دهد که بخش صنعت نیز همانند کشاورزی تحت الشعاع درآمد حاصله از نفت و مورد بی‌توجهی قرار داشته‌است زیرا اعتبار اختصاص داده شده به بخش صنعت و معدن تنها ۱/۸٪ اعتبارات را شامل می‌شده که پایینترین سهمی بوده که قبلاً به آن اشاره شد.

اصلاحات ارضی و مراحل پس از آن

اصلاحات ارضی که در دهه ۱۳۴۰ با رهنمود امریکا در ایران صورت گرفت، مشکلاتی جدی برای روستاییان به وجود آورد «... پیامدهای حاصل از اصلاحات ارضی و اتخاذ سیاستهای مربوط به توسعه صنعتی کشور حول محور شهرها سبب شد تا در فاصله ۵۵-۱۳۴۵ خلیل عظیمی از روستاییان خانه و کاشانه خود را ترک گفته و به شهرها و بخصوص تعداد انگشت‌شماری از شهرهای کشور که محل استقرار صنایع بودند سرازیر شوند. در این راستا سهم تهران به دلیل موقعیت سیاسی و اقتصادی (ناشی از تمرکز شدید سرمایه در آن) منحصر به فرد بوده‌است. به عبارت دیگر تمرکز سرمایه در چند کانون شهری موجب تمرکز شدید جمعیت در این نقاط شد. به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۵ تعداد شهرهایی که بیش از ۱۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت داشتند (و در ۱۳۴۵ تنها ۱۴ شهر بودند) به ۲۳ شهر افزایش یافت.^{۳۸}

این درحالی است که شهرهای ایران تا سال ۱۳۳۵ مهاجرفرست بوده‌اند و در بعضی موارد کاهش جمعیت نیز داشته‌اند. «... برای مثال، جمعیت شهر رشت از ۱۲۱۶۲۵ نفر در سال ۱۳۱۹ به ۱۰۹۴۹۱ نفر در سال ۱۳۳۵ و جمعیت همدان از ۱۰۳۸۷۴ نفر به ۹۹۹۰۹ نفر کاهش یافته بود. اما همه شهرهای فوق از سال ۱۳۳۵ به بعد مهاجرپذیر شدند.^{۳۹}

مقایسه سرشماریهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ نشان می‌دهد که از ۷۹۳۰۰۰۰ نفر افزایش جمعیت، ۷۶/۴٪ سهم جمعیت شهری و ۲۳/۶٪ سهم جمعیت روستایی بوده‌است. به عبارت دیگر در این

۳۷- حسین ضیاء توانا، «نگاهی کوتاه به روستا و مکانیزم تحول آن در ایران»، رشد آموزش جغرافیا، سال ششم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱، شماره ۲۴، ص ۴.

۳۸- ابوالقاسم مقدس خراسانی، «تأثیر ایجاد شهرهای جدید در روند شهرنشینی و توزیع جمعیت»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، اردیبهشت ۱۳۷۱، ص ۶۸.

۳۹- حسین سلطانزاده، همان، ص ۱۸۵.

دوره بر جمعیت شهری کشور ۶۰۶۱۰۰۰ نفر و بر جمعیت روستایی تنها ۱۸۵۹۰۰۰ نفر اضافه شده است.

در دوره بعدی، جمعیت کشور از ۳۳/۷ به ۴۹/۴ میلیون نفر می‌رسد که ۶۹/۸٪ این افزایش سهم شهرها و ۳۰/۱٪ به روستاها اختصاص داشته است.

جدول شماره ۳ رشد جمعیت شهری و مقایسه آن با رشد طبیعی جمعیت، برای سالهای ۱۳۷۰-۱۳۰۰ را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۳: رشد شهرنشینی در ایران بین سالهای ۱۳۷۰-۱۳۰۰

رشد متوسط سالانه	شهرنشینی بطی	شهرنشینی سریع	تداوم شهرنشینی
۱۳۰۰-۱۳۴۰	۱۳۴۰-۵۵	۱۳۵۵-۷۰	
رشد جمعیت شهری	٪۲/۶۵	٪۴/۴۲	٪۴/۷۶
رشد طبیعی جمعیت	٪۲/۱۲	٪۲/۷۷	٪۳/۴۱
مهاجرت	٪۰/۵۳	٪۱/۶۵	-

مأخذ: بر مبنای سالنامه آماری کشور ۱۳۷۰/ راهنمای جمعیت شهرهای ایران،

۷۰-۱۳۵۵/ شهرنشینی در ایران، ص ۱۷۱.

مقایسه جمعیت شاغل در بخش کشاورزی طی مقاطع مختلف سرشماری نشان می‌دهد که شاغلان بالای ۱۰ سال در این بخش از ۵۶/۳٪ در سال ۱۳۵۵ به ۱۷٪ در سال ۱۳۶۵ تنزل یافته است. این در حالی است که شاغلان بخش خدمات طی مقاطع مزبور از ۲۳/۶٪ به ۵۰٪ افزایش یافته‌اند. این ارقام گویای کاهش اهمیت بخش کشاورزی است که در اثر دافعه‌های گوناگون صورت گرفته است و در عین حال نشان دهنده افزایش جمعیت شهرهاست که جاذبه‌های دائم‌الزیاد آنها، و سوسه مهاجرت را در روستایان تشدید کرده است.

جدول شماره ۴: میزان و درصد جمعیت شاغل در سه بخش عمده اقتصادی کشور در

چهار دهه سرشماری عمومی

سال	کل جمعیت شاغل	بخش کشاورزی	درصد	بخش خدمات	درصد	بخش صنعت	درصد
۱۳۳۵	۵۹۰۷۶۶۶	۳۳۲۵۷۲۱	۵۶/۳	۱۳۹۴۱۰۲	۲۳/۶	۱۱۸۷۸۴۳	۲۰/۱
۱۳۴۵	۷۱۱۵۷۸۷	۳۳۸۰۰۲۳	۴۶/۵	۱۸۴۸۷۷۶	۲۶/۵	۱۸۸۶۹۸۸	۲۷
۱۳۵۵	۸۷۹۹۰۰۰	۲۹۲۰۰۰۰	۳۳/۲	۲۷۹۵۰۰۰	۳۱/۷	۳۰۱۲۰۰۰	۳۴/۲
۱۳۶۵*	۱۱۰۰۱۵۳۵	۳۱۹۰۷۶۱	۲۹	۵۰۲۹۷۶۶	۴۵/۷	۲۷۸۱۰۰۸	۲۵/۳

* مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی کل کشور، سال ۱۳۶۵.

مأخذ: رشد آموزش جغرافیا، شماره ۲۴، ص ۵.

دوران بعد از انقلاب اسلامی

در سالهای پس از انقلاب اسلامی، تحت تأثیر دیدگاههای اسلامی که خودکفایی و عدم نیاز به بیگانگان از جمله اصول به شمار می‌رفت، اقتصاد روستایی در کل کشور، تا حدودی دستخوش تحول شد. اعلام سیاست خودکفایی و توجه به تولیدات استراتژیک، موجب رونق بخش کشاورزی شد، چنانچه «... ارزش افزوده بخش کشاورزی در سال ۱۳۵۸ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۵۳) معادل ۳۵۶/۳ میلیارد ریال بوده است که ۱۱/۶٪ تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌داد. در سال ۱۳۶۶ ارزش افزوده بخش کشاورزی ۵۶۲ میلیارد ریال بوده است که ۱۸٪ تولید ناخالص داخلی کشور را در سال مزبور شامل می‌شد».^{۴۰}

همچنین «... سطح اراضی آبی طی فاصله زمانی ۶۶-۱۳۵۷ سالانه بطور متوسط ۳/۸٪ ازدیاد یافت ... میزان آب تأمین شده از طرق مختلف برای کشاورزی نیز طی دوره ۶۶-۱۳۵۷ بطور متوسط سالانه افزایشی حدود ۴٪ داشته است ... طی دوره ۱۳۵۶ الی ۱۳۶۶ دولت ۱۶۷ میلیارد ریال برای کود شیمیایی، ۸۵ میلیارد ریال جایزه به دامداران از طریق صنایع شیر و ۱۳ میلیارد ریال برای خرید علوفه، سوبسید پرداخت کرده است».^{۴۱}

با توجه به نقش مهمی که برنامه‌ریزیهای دولتی در پیشرفت و یا عقب‌ماندگی بخشهای اقتصادی و از جمله بخش کشاورزی که تعیین‌کننده تکلیف اقتصاد روستایی است و بخش صنعت و خدمات که جایگاه آنها عمده در شهرها می‌باشد دارد لازم است مختصری پیرامون سیاست‌گذارهای دولت جمهوری اسلامی ایران در برنامه اول و دوم توضیح داده شود.

سیاستهای عمده دولت در برنامه اول که از سال ۱۳۶۸ آغاز شد بر چند اصل استوار بوده است.

الف) بازسازی مناطق جنگ‌زده

ب) ایجاد تعادل منطقه‌ای و تمرکززدایی که طی آن به استانها و واحدهای سیاسی کوچکتر کشور اختیارات بیشتری برای کاستن از بار دستگاههای اجرایی و تمرکززدایی از تهران و شهرهای بزرگ داده شد. تصمیمی که طبعاً به نفع نواحی دورافتاده و محروم مانند بیرجند که در جنوب خراسان قرار داشته تمام شده است.

۴۰- وزارت برنامه و بودجه، لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

(۷۶-۱۳۶۸)، پیوست شماره ۱، مرداد ماه ۱۳۶۸، ص ۲-۴.

۴۱- همان، ص ۶-۴/۴.

پ) توسعه بخشهای اقتصادی کشور که به موجب آن به توسعه بخش انرژی، آب، مسکن، معدن، صنعت، راه، حمل و نقل و از جمله کشاورزی توجه کافی مبذول شده است. محورهای عمده مورد توجه در این بخش «توسعه اراضی کشاورزی و اصلاح نظام بهره‌برداری» بوده است. در برنامه مذکور، بخش کشاورزی به علل زیر محور توسعه اقتصادی قرار گرفت:

الف) تأمین مواد غذایی برای جمعیت کشور.

ب) نیل به خودکفایی کشاورزی به منظور جلوگیری از تحت سلطه قرار گرفتن کشور.

پ) توجه بیشتر به کشاورزان و عشایر کشور که همواره از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی محروم بوده‌اند.

ت) تغییر ساختار اقتصاد مصرفی به ساختار اقتصاد تولیدی در زمینه‌های کشاورزی.

ج) تغییر جهت منطقی مهاجرت در سطح کشور.^{۴۲}

از جمله سیاستهای این برنامه می‌توان به بسیج منابع سرمایه‌ای غیردولتی، افزایش کارایی عمومی، تعادل در تراز پرداختها و روابط اقتصادی خارجی و حمایت از تحقیق و ترویج تکنولوژی اشاره کرد.

تسهیلاتی که برای بخش کشاورزی در این برنامه مدنظر بوده، مانند ایجاد تسهیلات بانکی برای سرمایه‌گذاران فاقد وثیقه و تضمین کافی، واگذاری تمام یا قسمتی از سهام واحدهای تولیدی به بخش غیردولتی و بانکها، تدابیر حمایتی برای بیمه محصولات کشاورزی و تأمین امکانات لازم برای بسط و گسترش شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی و جلب مشارکت مردم به منظور سرمایه‌گذاری در تأمین آب و ایجاد تأسیسات آبی کوچک، به پیشرفت و توسعه بخش کشاورزی کمک مؤثری کرده است.

در برنامه دوم تغییراتی در سیاست‌گزاریهای دولت به وجود آمده است. اهم سیاستهای ابلاغی این برنامه به شرح زیر می‌باشد:

الف) تأمین عدالت اجتماعی، به نحوی که گرایشهای آشکاری در جهت حمایت از اقشار کم‌درآمد و توجه به مناطق محروم به چشم می‌خورد.

ب) تقویت ارزشهای فرهنگی و انقلابی و توجه به بخشهای اجتماعی که نهایتاً منجر به تقویت و توسعه آموزش همگانی و بهداشت و درمان و آموزش عالی و تحقیقات و نظایر آن خواهد شد.

پ) متعادل کردن روابط اقتصاد خارجی، که هدف آن جلوگیری از وابستگی به تجارت جهانی و ایجاد خودکفایی از طریق تشویق تولیدات داخلی و کاهش واردات می‌باشد از محورهای مهم سیاست‌گذاریهای دولت است. این امر به نوبه خود می‌تواند از طریق رونق بخشیدن به بخش کشاورزی و صنایع دستی (که باید طبق برنامه مذکور جایگزین نفت شود)، اقتصاد روستایی را رونق بخشیده، از مهاجرت‌های بی‌رویه به نقاط شهری جلوگیری کند. یعنی درست عکس آن چیزی که در اواخر دوره قاجاریه انگیزه اصلی مهاجرت‌های روستایی بوده است.

به هر حال مقایسه برنامه اول با برنامه دوم نشان می‌دهد که «... در سیاست‌های حاکم بر برنامه اول، بخشهای اقتصادی اهمیتی اساسی یافته و سیاست‌گذاری به تفکیک بخشهای اقتصادی صورت گرفته است درحالی که در برنامه دوم، اقتصاد در کلیت آن مورد سیاست‌گذاریها قرار گرفته و مقولات سیاسی معطوف به توسعه بخشهای اقتصادی در برنامه اول، مانند بسیج منابع سرمایه‌ای غیردولتی و تعادل در تراز پرداختها و روابط اقتصادی، از مقولات بخشی به مقولات کلان تبدیل شده است و به صورت متعادل کردن روابط اقتصادی خارجی و اصلاح روند خصوصی سازی و تعادل بخشیدن به اقتصاد داخلی عمومیت یافته است».^{۴۳}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴۳- ذبیح... منصور، «سیاست‌های کلان دو برنامه در یک نگاه»، مجلس و پژوهش، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره هشتم، اردیبهشت ۱۳۷۳، ص ۳۱-۳۹.

منابع و مأخذ

- ۱- اشرف، احمد، «ویزگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، نامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، دانشگاه تهران، دوره ۱، شماره چهارم، ۱۳۵۳.
- ۲- اهلرزی، اکارت، «دزفول و حوزه نفوذ آن»، جغرافیا، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، دوره اول، شماره اول، ۱۳۵۵.
- ۳- اهلرزی، اکارت، «سرمایه داری بهره‌بری و گسترش شهری در شرق اسلامی (نمونه ایران)»، ترجمه عباس سمیدی، علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱، ۱۳۷۰.
- ۴- اهلرزی، اکارت، «رابطه شهر و روستا در ایران (طیس به عنوان یک نمونه)»، مجموعه سخنرانیهای چهارمین کنگره جغرافیادانان ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۵۶.
- ۵- بازن، مارسل، «قم شهر زیارتی و مرکز منطقه»، مجموعه مقالات جغرافی، شماره ۴، به کوشش محمدحسین پابلی یزدی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
- ۶- پیران، پرویز، «توسعه برون‌زا و شهر»، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال چهارم، شماره اول.
- ۷- جمال زاده، محمدعلی، گنج شایگان، کتاب تهران، ۱۳۶۲.
- ۸- حسامیان، فرخ (و دیگران)، شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۳.
- ۹- رزاقی، ابراهیم، اقتصاد ایران، نشر سخا، ۱۳۶۷.
- ۱۰- سلطان زاده، حسین، مقدمه‌ای بر تاریخ شهرنشینی در ایران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
- ۱۱- ضیاء توانا، حسین، «نگاهی کوتاه به روستا و مکانیزم تحول آن در ایران»، رشد آموزش جغرافیا، سال ششم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱.
- ۱۲- عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصاد ایران (عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۹۱۵ ه.ق.)، ترجمه یعقوب‌آزند، نشرگستره، ۱۳۶۲.
- ۱۳- فرید، بداء، جغرافیا و شهرشناسی، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸.
- ۱۴- کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا سقوط رضاشاه پهلوی)، ترجمه محمدرضا نفیس، انتشارات پایروس، ۱۳۶۶.
- ۱۵- کاستللو، وینسنت فرانسیس، شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، نشرسخا، ۱۳۶۸.
- ۱۶- گابریل، آلفونس، عبور از صحاری ایران، فرامرز نجد سمیمی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.

- ۱۷- مقدس خراسانی، ابوالقاسم، «تأثیر ایجاد شهرهای جدید در روند شهرنشینی و توزیع جمعیت»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، اردیبهشت ۱۳۷۱.
- ۱۸- مک گرگر، سی ام، شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان، مجید مهدی زاده، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
- ۱۹- منصوری، ذبیح...، «سیاستهای کلان دو برنامه در یک نگاه»، مجلس و پژوهش، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، شماره هشتم، اردیبهشت ۱۳۷۳.
- ۲۰- مؤمنی، مصطفی؛ بهرام بیگی، هوشنگ، بررسی مشخصات طبیعی، اجتماعی، اقتصادی شهرستان نفت، دفتر فنی جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، ۱۳۶۱.
- ۲۱- نظریان، اصغر، «سیر تحول روابط شهر و روستا در ایران»، مجموعه مقالات سمینار جغرافی (شماره ۱)، ۱۳۶۷.
- ۲۲- وزارت برنامه و بودجه، لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸)، بیوست شماره ۱، مرداد ماه ۱۳۶۸.

23- Michel Edward Banine, *Yazd and its Hinterland*, acentral place system of dominance in the central Iranian Plateav, Marburg, Lahn, 1980.

24- Paulward English, *city and village in Iran*, settlment and Economy in Kirman Basin, the University of wisconsin press, Madison, Milwaures and London, 1966.

25- *The new Encyclopedia Britanica*, Macropedia, vol 18, 1991, p. 1082.